

اُمید

در امریکانهمه
\$1.50

شماره نهم / سال سی و سوم / دوم دلو ۱۴۰۳ / ۲۱ جنوری ۲۰۲۵ / شماره مسلسل ۱۱۲۶

با خلق نکو بزی که زیور این است در آینه ی جمال، جوهر این است

آن قطره ی اشکی که بریزد بر خاک بردار که گنج لعل و گوهر این است

استاد خلیل الله خلیلی (رح)

افغان مینی مارکیت عرضه کننده
انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ

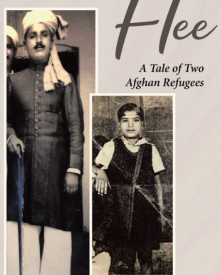
که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

Forced to
Flee



Afzal Nasiri

نگارش محمد
افضل ناصری
را علاقمندان
از آمازون به
دست آورده
می توانند.

Amazon.com

amazon

مجاهدین پس از پیروزی بر قوای شوروی نتوانستند آن سانی که انتظار می رفت پایه های حکومت مستحکمی را پایه ریزی کنند. علل عدم استقرار یک حکومت قوی دوران مجاهدین را باید درگیری های داخلی اما عمدتاً عوامل خارجی جستجو کرد که بعداً به آن اشاره کوتاهی خواهیم کرد.

حکومت دوره نخست طالبان در حقیقت ایجاد حکومت اسلامی بر حکومت اسلامی دانسته می شود. حکومت طالبان با اعمال زور، برخورد تشدد بار و رویه خشونت آمیز با مردم تجربه بی بود با نفری کشور تحت نام اسلام که مردم را از همه چیز گریزان، آزرده و دردمند و شاکی ساخته بود که غرض از آن عمدی بوده است.

تهاجم امریکا و کشور های دیگر عضو ناتو تحت نام و بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر، که در اینجا روی چگونگی آن بحث نمی شود، باز هم حکومتات و در حقیقت رژیم هایی را از خارج وارد کشور ساخت که نام آن ها اسلامی بود تا عمل آن ها، چون در آغاز توسط عده ی روحانیون به نادرست پشتیبانی گردید توانست به صورت ناگهانی پس از حکومت تشدد آمیز طالبان مورد پذیرش «تعداد» معدودی از نفری در کشور باشد نه همه. کلاً ساختار ها به خصوص ساختار های اجتماعی اداره کنندگان آن به ویژه آمریکایی ها از آن رژیم چیز دیگری بود.

امریکا با آگاهی از تجربه بی که از اتحاد شوروی سابق در کشور ما داشت می خواست جلو یک قیام سرتاسری فوری را در برابر خود به خاطر حضور نظامی اش گرفته باشد. از این رو یک نظام به ظاهر و به نام اسلامی می توانست این خواسته را تا حدی بر آورده سازد که تا اندازه ای چنین هم شد. به زودی حضور نظامی امریکا و متحدین اش نارضایتی همگانی مگر خاموش و بلندی را به همراه داشت که زمان آنرا ثابت ساخت.

به میان آوردن دوباره طالبان هم برای حفظ و بقا و ادامه نفوذ سیاسی امریکا پس از بیرون شدن نظامی از کشور دانسته می شود. با تجربه بی که از حاکمیت دوره اول طالب ها در راستای منجر ساختن مردم داشتند چند هدف را دنبال می کنند که عمده ترین آن ها به تنگ ساختن مردم کشور از یک حکومت اسلامی واقعی است. در راس این پالیسی دختران و زنان کشور بیشتر و وخیم تر قربانی گردیده اند. سوی دیگر آن وابسته ساختن میهن ما به امریکا می باشد با مقرر نمودن نماینده خاص برای مردم و زنان و همچنان نشان دادن اهمیت حضور امریکا در کشور و اینکه این کشور می توان جریانات را در کشور ما سمت دهی کند و رقم بزند و هر گروهی را که خواسته باشد به اقتدار برساند.

اگر دید گذرایی بر نحوه حکومت های چند دهه اخیر در کشور داشته باشیم به آسانی در می یابیم حکومت هایی در برهه های زمانی کوتاه در داخل به میان آمده و حکومت هایی که کلاً در خارج به اساس خواسته های خارجی در کشور آورده شده از یک افراط به افراط دیگری گراییده اند یعنی از چپ افراطی که در جامعه ما هیچ گاه قابل قبول نبوده و نیست به حکومت های اسلامی ساخته شده توسط خارجی ها با کنار رفتن از اسلام واقعی و حقیقی، تنها حکومت اسلامی مجاهدین از این جمله نبود. حد وسط و خواسته های اکثریت مردم اکثراً از هر رهگذر آن به ویژه اجتماعی از نظر انداخته شده و ساختار هایی به اساس باور ها و نیاز های نفری در کشور به وجود نیامده است.

عوامل آن چنان که گفته آمد عمدی بوده و بیشتر این رژیم ها بر ما تحمیل گردیده است. خود ما هم برای ایجاد حکومت و پالیسی های خودی اقدام نکرده ایم. بیشتر نقش یگانگان را مهم بالاتر و برتر از آنچه خواسته نفری در کشور است دانسته و در بحث و حتی عمل خود ارجحیت داده ایم.

در مورد حکومت مجاهدین و عدم کارآیی آن صحبت نمودیم، در این جا به عوامل خارجی آن هم اشاره سریع می شود. (ص ۸)

کانادا

سمیعه ساعی

ایجاد حکومت درست و بدست آوردن خود ارادیت کشور



خاتم سمیعه ساعی

یکی از عوامل عمده تشتت، درگیری ها و عدم ثبات سیاسی در تاریخ معاصر کشور ما و همچنان پس از مداخله نظامی خارجی و بعد از شکست آن ها در کشور ما عدم یک برنامه روشن برای ایجاد یک ساختار همه شمول حکومت به اساس خواسته اکثریت مردم است که برای همه قابل قبول بوده و از خود ارادیت بهره مند باشد چون

در قدم نخست خود ما نتوانسته ایم خود را از پراگندگی به همناوایی بکشانیم و دو دیگر حق خود ارادیت به خاطر عوامل خارجی از ما گرفته شده است و اختلافات سلیقه بی به خاطر علل و نظریه های گوناگون به دوری از همدیگر ما افزوده. البته در زمان حکومت های دوره های تهاجم و اشغال نظامی نمی توان توقع موجودیت یک حکومت نیرومند مردمی را داشت.

جهد بر ضد قوای بیگانه بعد دیگر درگیری ها و سمت گیری ها است که در اینجا به آن پرداخته نمی شود.

در عدم و فقدان چنین نظام و عدم همگرایی به خاطر ایجاد آن چه در میان سیاسیون داخل و چه در خارج از کشور اختلافات نظر های جدی وجود دارد. از سوی دیگر بیگانگان چه به اساس پالیسی های خود و چه با فرصتی که از جانب عده معدودی از هموطنان ضعیف النفس ما به آن ها فراهم شده طرح ها و برنامه هایی را برای ایجاد حکومت موافق به پالیسی و در نهایت منفعت خود بدون در نظر داشت منافع مردم داشته اند و تا همکنون بر کشور ما تحمیل کرده اند.

پس از کودتای سردار محمد داود خان حاکمیت با دگرگونی همه جانبه بی در کشور مواجه شد و برای بار نخست حکومت از شاهی به جمهوری انتقال یافت که همه ساختار های دولتی را با چالش کشانده و دگرگون ساخت. البته ساختار شاهی مشروطه هم نمی توانست در کشور برای همیشه موجه باشد با وجود درک دیموکراسی غربی. اما تغییر داود خان هم نتوانست پیامد درستی داشته باشد. به صورت کل حکومت داود خان با اعمال زور و احاطه اقتدار سرآغاز بی سرانجامی های کنونی به حساب می آید.

کودتای ۷ ثور احزاب دموکراتیک خلق و پرچم حکومت یا رژیمی را با تمایلات کمونیستی به صحنه آورد. رژیم کمونیستی از جهات گوناگون برای مردم در کشور تکان دهنده و دهشت آور بود. آن رژیم با ساختار ها و طرح های سیاسی و به ویژه اجتماعی که همخوانی با خواسته های مردم نداشت صحنه گذاشت که همه در تضاد با تمایلات مردم بود.

با تهاجم نظامی اتحاد شوروی سابق رژیم دیکتاتوری منحصر و موازی با ساختار سیاسی آن کشور که از آنجا هدایت هم می شد از خارج آورده و بر نفری در کشور تحمیل گردید که در راس آن بیرک کارمل مقرر گردیده بود، هر چند اختلافات میان حذبی آن ها چندین رژیم را به میان آورد، اما ساختار ها تفاوت چندانی نداشت. گرایش های سیاسی و به خصوص اجتماعی و بازی با عقاید مردم قیام های عمومی خود جوش و در نهایت جهاد بر حق را در برابر آن ها بر انگیخت که شکست اتحاد شوروی را در پی داشت.

پروژه کرزی آلمانیها - بریتانیاییها

حامد کرزی چندی پیش در آلمان بود. در ظاهر برای مسایل بهداشتی ولی در اصل برای یک برنامه در حال شکل گیری سیاسی آمده بود، که عده ای از پارسیان جمهوری از جمله رنگین دادر سپنتا نیز وی را در جلسه های شهر بن آلمان همراهی کردند. به آن برنامه و اشتراک کنندگان آن نمی پردازم، اما ابتکار برگزاری نشست ها را اتاق فکر کنراد آدناور مربوط به حزب دموکرات مسیح آلمان به عهده داشت. کرزی نه تنها با وزارت خارجه و دستگاه های استخباراتی آلمان ملاقات نمود، بلکه طی سفر به بریتانیا MI6 و مقامات بلند پایه از جمله وزارت خارجه نیز دیدار نمود. وی دوباره به کابل برگشت و قرار است بار دیگر در ماه جنوری به آلمان بیاید و روی ایجاد یک «پوزیسیون» علیه طالبان کار نماید.

چرا کرزی؟

این که طالبان یک پروژه غربی ها به ویژه آنگلساکسون ها در این سه سال بوده است، حرفی نیست. تا به حال لیبرال دموکرات های غربی و در راس دولت بایدن از طریق سی آی ای ای تامل فعال با طالبان داشته اند. پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، واشنگتن به اروپای لیبرال نگاه مشکوک دارد، به ویژه که بخش بزرگ از رهبران اروپایی در انتخابات ایالات متحده آمریکا به نفع دموکرات ها مداخله نمودند و ترامپ با تیم اش آن را از یاد نمی برند.

از سوی دیگر بریتانیا می کوشد پرچمدار نیولبرالیسم به کمک «سیتی لندن» و سرمایه گلوبال باقی بماند. رهبران آلمان چه از میان سوسیال دموکرات ها و یا دموکرات مسیح ها و چه سبز ها و لیبرال دموکراتها همه نیولبرال ها اند که می کوشند در چند جبهه هم علیه روسیه و چین قرار بگیرند و هم علیه آمریکا.

آمریکا دوران ترامپ کمترین علاقه به درگیری ها در حوزه های مختلف ژئوپلیتیکی جهان دارد و بیشتر علاقمند به ثمر رساندن انقلاب «محافظه کارانه» است که به زودی در آمریکا آغاز می شود و هدف آن تضعیف لیبرال دموکراسی می باشد.

اروپایی ها و در پیشاپیش بریتانیا می خواهند بخش از نیروهای را که سابق حوزه منافع آمریکا بود، تحت قیمومیت خویش در آورند. هم در رویداد های اوکراین، هم خاورمیانه و قفقاز و هم آسیای میانه نقش پای بریتانیا با متحدان آن برجسته بوده است.

حالا کرزی را که از وی شناخت خوب دارند به میدان بازی داخل می سازند. در سه سال گذشته «جبهه مقاومت ملی» نام بزرگ را یدک کشید ولی معلوم نشد چه می خواهد. با افراد وفادار به کرزی همسویی کرد و آنها پی بردند که جبهه خیلی ناتوان است و حوزه تاجیک ها و پارسی زبان ها از داشتن یک مرکزیت منسجم، هدفمند، برنامه محور و با انگیزه برای مبارزه و حتا معامله بی بهره است.

پیشینه کرزی هم پیش و هم در دوران حاکمیتش با بقایای جمعیت اسلامی و شورای نظار همیشه دوستانه و حتی از حمایت چهره های کلیدی آن برخوردار بوده است. از سوی دیگر کرزی در میان ساختار های دیگر قومی نیز از اعتبار برخوردار است که امروز در شورای مقاومت ملی حضور دارند. ناگفته نماند که یک بخش بزرگ از ساختار های سیاسی، نظامی و فرهنگی تاجیک ها در بریتانیا فعال اند و استخبارات آن کشور میدانند که حوزه پارسیان تا کدام حد پراکنده است.

از این رو می خواهند کرزی را فعال بسازند تا در یک پروژه جدید، حاکمیت افغانها را در یک ساختار مشترک با طالبان حفظ کنند. پروژه همزمان دو هدف دارد، یکی جلوی از هم پاشی افغانها را در یک رقابت قبیله ای می گیرند و دیگر تسلط افغانها را بالای اقوام غیر افغان تداوم می بخشند.

جنبش حق تعیین سرنوشت پارسی زبانان در جغرافیای جعلی افغانستان طرح روشن رهایی مردم

(ص ۸)

غزلی از صائب تبریزی

این چه حرف است که در عالم بالاست بهشت؟
هر کجا وقت خوشی رو دهد آنجاست بهشت
باده هر جا که بود چشمه کوثر نقدست
هر کجا سرو قدی هست دو بالاست بهشت
دل رم کرده ندارد گله از تنهایی
که به وحشت زدگان دامن صحرست بهشت
از درون سیه توست جهان چون دوزخ
دل اگر تیره نباشد همه دنیاست بهشت
دارد از خلد ترا بی بصری ها محبوب
ورنه در چشم و دل پاک مهباست بهشت
هست در پرده آتش رخ گلزار خلیل
در دل سوختگان انجمن آراست بهشت
عمر زاهد به سر آمد به تمنای بهشت
نشد آگاه که در ترک تمناست بهشت
صائب از روی بهشتی صفتان چشم مپوش
که درین آینه بی پرده هویداست بهشت

جملات شاد و آگاهی بخش

* شادی قابل تعریف نیست ، بلکه قابلیت است که در وجود هر انسان نهفته پس شاد باش! لبخند رو از عمق وجود براتون آرزو میکنم

* عشق ورزیدن به هر چیز ، درک این جمله است : شاید از دست برود.

* چه حقیرند مردمی که نه جرأت دوست داشتن دارند و نه اراده‌ی دوست نداشتن و نه لیاقت دوست داشته شدن و نه متانت دوست داشته نشدن و مدام شعر عاشقانه می خوانند و تراژدی غم انگیز انسان این است که آنچه هست، نباید باشدو آنچه باید باشد، نیست و همه حرف‌ها همین است وهمه‌ی دردها همین جا است. درد روح اینست که: «انسان شقایقی است که با داغ زاده است.»

سروده بی از صوفی عشق‌ری (رح)

بی تمیزی رفته-رفته زور شد شوربا شیرین و حلوا شور شد
یک قلم عشرت ز عالم محو گشت
روز عید ما شب عاشور شد
صبر ما درگیر گردید عاقبت
حاسد ما را ندیدی کور شد؟
تنگ و تاریک است در چشم جهان
این فضا بر ما دهان گور شد
بستری گشتیم از گه تا به مه نوجوانان پیر و پیران جور شد
حسن زیبای کسی از خط سبز
سرخ بود و زرد گشت و بور شد
عشقری هر شی خوری استاده خور
کاسهء انسائیت آخور شد

آگاهان امور از وضعیت جاری بود. به نظر می‌رسد جهان در این مرحله سرنوشت‌ساز توانایی کافی برای اقدام هماهنگ و سراسری در راستای مبارزه با تغییرات اقلیمی را ندارد و بیش‌تر کشورها به منافع کوتاه‌مدت ملی خود اهمیت می‌دهند و حاضر نیستند به خاطر آینده جمعی بشر، پیش‌گام شوند.

کشورهای فقیری چون افغانستان اما توانایی لازم برای سهم‌گیری در این مبارزه جهانی را ندارند و بدون حمایت کشورهای پیش‌رفته حتا قادر نیستند آسیب‌های فوری تغییرات اقلیمی را کاهش دهند. حاکمیت طالبان که در آن به تدابیر انسانی ارزش گذاشته نمی‌شود و حتا در برابر آموزش و تحصیل ممانعت ایجاد میشود، کشور رایش از پیش آسیب‌پذیرتر می‌کند. در این شرایط حتا اگر کمک‌های مالی هم صورت گیرد، احتمال استفاده موثر از آن برای مبارزه با تغییرات اقلیمی در افغانستان بسیار کم است. از این رو، اولویت اصلی مردم افغانستان تشکیل حکومتی است که جامعه جهانی آن را به رسمیت بشناسد و مردم افغانستان نیز به آن اعتماد داشته باشند. در غیر آن، با گذشت هر سال محیط زیست و شرایط زنده‌گی در کشور بیش از پیش بحرانی‌تر خواهد شد.

افغانستان از نظر آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی پنجمین کشور جهان است. نظر به برآوردهایی که در کاپ ۲۹ برای تعیین آسیب‌پذیری کشورها صورت گرفته است، کشورهای چاد، سومالیا، سوریه و جمهوری دموکراتیک کانگو آسیب‌پذیرتر از افغانستان معرفی شده‌اند. عوامل اصلی آسیب‌پذیری افغانستان سیل، خشک‌سالی و افزایش قحطی است. از زمان بازگشت طالبان به قدرت، کمک‌های بین‌المللی به شدت کاهش یافته و به اضافه آن مدیریت ضعیف طالبان و عدم آشنایی آنان با مسایل مربوط به تغییرات اقلیمی، وضع را وخیم ساخته و مردم از این ناحیه رنج شدید را متحمل شده‌اند.

طوری که گفته شد، تامین هزینه مالی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و میزان کمک‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر از موضوعات عمده اجلاس کاپ ۲۹ سال ۲۰۲۴ است. در ضمیمه ۲ کنوانسیون مذکور ذکر شده است که اعضای سال ۱۹۹۲ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به‌طور مشترک مسول کمک‌های مالی به کشورهای در حال رشد برای مبارزه با تغییرات اقلیمی می‌باشند.

در سال ۱۹۹۲ تعداد ۲۳ کشور عضویت این سازمان را داشتند و حالا این تعداد به ۳۸ کشور رسیده است. اما این کشورها نمی‌پذیرند که مسوولیت حمایت کشورهای در حال رشد تنها بر دوش آن‌ها باشد و مدعی‌اند که امروز برخی کشورهای در حال توسعه دیگری نیز وجود دارند که خیلی ثروت‌مندند و مقدار زیاد گازهای گل‌خانه‌ای را تولید می‌کنند. آنان پیشنهاد می‌کنند که این گروه از کشورها نیز باید در جمع ۲۳ کشور مندرج ضمیمه ۲ کنوانسیون در فهرست کمک‌کننده‌گان قرار گیرند.

البته قابل یادآوری است که مسوولیت مبارزه با تغییرات اقلیمی غیر از سهم کنونی کشورها در تولید گاز گل‌خانه‌ای به نقش تاریخی هر کشور از زمان آغاز صنعتی شدن جهان در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز ارتباط می‌گیرد.

درست است که اولین بار هیات ارزیابی تغییرات آب و هوا در دهه ۱۹۹۰ میلادی گزارش جهانی خود را اعلام کرد، اما این تغییرات بسیار پیش‌تر از آن کلید خورده بود و برخی کشورهای صنعتی امروز در ایجاد وضعیت کنونی اقلیمی نقش تاریخی داشته‌اند. با این حال، کشورهای صنعتی اکنون خواستار تغییر فهرست کشورهای مندرج ضمیمه دو با توجه به واقعیت‌های موجودند.

در کنفرانس تغییرات اقلیم کاپ ۲۹ باکو، چندین تصمیم گرفته شد که مهم‌ترین آن تعهد کشورهای صنعتی به پرداخت ۳۰۰ میلیارد دلار در سال به کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۳۵ است. اما خواست کشورهای رو به انکشاف و بعضی سازمان‌های بین‌المللی ۱۳۰۰ میلیارد دلار بود. تصمیم دیگر در مورد مساله برابری جنسیتی بود و گفته شده است که حکومت‌ها باید حین اجرای برنامه زیست‌محیطی برابری جنسیتی را مد نظر بگیرند.

۴۹ کشور به‌عنوان کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته و رو به انکشاف درجه‌بندی شده‌اند. افغانستان متاسفانه در فهرست کشورهای رو به انکشاف در نازل‌ترین جایگاه قرار دارد و آخرین کشور است. دلیل این جایگاه نازل، عدم توانایی و ظرفیت در جهت مبارزه علیه تغییرات اقلیمی است.

این ۴۹ کشور کم‌تر انکشاف‌یافته با بیش از یک میلیارد نفوس، در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان هستند؛ ولی کم‌ترین تلاش برای رفع مشکل این کشورها صورت گرفته است. این کشورها کم‌ترین سهم در زمینه آلوده‌گی هوا و گرمایی زمین داشته‌اند؛ اما از سبب تغییرات اقلیمی میلیون‌ها تن از ساکنان آن‌ها در معرض سیل‌ها و خشک‌سالی بی‌سابقه قرار گرفته‌اند و در نتیجه فقر، گرسنه‌گی و بیماری‌های ناشی از این تغییرات اقلیمی هر روز از آنان قربانی می‌گیرد.

در کنفرانس کاپ ۲۹ کشورهای چاد، سومالیا و سوریه بیش‌تر از همه در معرض آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیمی معرفی شدند. بعد از آن‌ها جمهوری دموکراتیک کانگو و افغانستان قرار دارند.

ایوانز نجوا، رییس گروه کشورهای کم‌تر انکشاف‌یافته که از کشور ملاوی است، به نماینده‌گی از کشورش صحبت کرده و از تعهدات مبهم و بی‌نتیجه کنفرانس برای آسیب‌پذیرترین و بی‌وسيله‌ترین کشورها، مایوس و خیلی خشمگین بود. خشم او حکایت از نارضایتی کشور های آسیب‌دیده و نیز نگرانی

داکترضیا نظام فیرفکس، ورجینیا

فاجعه زیست‌محیطی و تعهدات ناچیز کشورهای صنعتی برای مبارزه با آن

بیست‌ونهمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در ماه نوامبر امسال در باکو، پایتخت آذربایجان، برگزار شد. در این کنفرانس گفته شد که تغییرات اقلیمی فاجعه‌ای برای عموم باشندگان جهان بوده و عمدتاً آسیب‌پذیرترین افراد را با فقر و چالش‌های زیاد معیشتی دچار کرده است؛ زیرا آنان فاقد منابع برای مجادله با این مصیبت طبیعی ناشی از فعالیت‌های بشر بوده و نیاز به کمک‌های مالی خارجی دارند.

این کنفرانس به سلسله کنفرانس‌های دیگر کاپ (COP) در چارچوب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با تغییرات اقلیمی دایر شد. «کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم» در سال ۱۹۹۲ توسط ۱۶۵ کشور در ریو دی‌ژانرو به امضا رسید و در حال حاضر ۱۹۷ کشور به شمول افغانستان عضو آن می‌باشند. در همان زمان کنوانسیون مهم دیگر «مبارزه با یابان‌زایی» به تصویب رسید و هر دو کنوانسیون جهان‌شمول می‌باشند.

کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیم اولین سند مهم بین‌المللی است که تأثیرات تغییر اقلیمی را در جهان به رسمیت می‌شناسد. در کنفرانس کاپ ۲۹، رهبران جهان در مورد کاهش گاز گل‌خانه‌ای صحبت کردند. سال ۲۰۲۴ گرم‌ترین سال است که تا کنون ثبت شده و اولین سالی که درجه حرارت زمین ۱٫۵ سانتی‌گراد از دوره پیش از عصر صنعتی بالا رفته است. حفظ سطح افزایش گرمای زمین به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد یکی از اهداف کنفرانس پاریس در سال ۲۰۱۵ بود. بخش کلیدی آن کنفرانس کاپ ۲۹ تامین مالی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی بود و این‌که چه‌گونه کشورهای ثروت‌مند به کشورهای فقیرتر در پرداخت هزینه‌های مبارزه با کاهش گاز گل‌خانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی کمک کنند. بدون این کمک‌ها کنترل تغییر اقلیم ناممکن است، اما متاسفانه در این شرایط که بی‌ثباتی شدید در جهان حاکم است، مدیریت مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی آسان نیست و بدون اقدام فوری وضع خیلی وخیم خواهد شد.

مبارزه با تغییرات اقلیمی و جلوگیری از افزایش گرمایش زمین به سرمایه ضرورت دارد، از جمله باید برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر کار شود که سرمایه‌گذاری‌های هنگفت طلب می‌کند. بروقی برآورد آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر، برای رسیدن به اهداف اقلیمی باید هر سال ۱٫۵ تریلیون یا ۱۵۰۰ میلیارد دلار در تولید انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

بانک جهانی پیش‌بینی کرده که ضرورت است تا کشورهای در حال انکشاف در این زمینه ۱٫۳ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند و در کاپ ۲۹ کشورهای در حال انکشاف خواهان تامین این مبلغ از سوی کشورهای پیش‌رفته شدند. گفته می‌شود که این سرمایه‌گذاری کاهش ۱٫۵ درصدی انتشار گازهای گل‌خانه‌ای را تضمین می‌تواند.

البته با این پول غیر از کاهش انتشار گازهای گل‌خانه‌ای میلیون‌ها شغل ایجاد خواهد شد و از همه مهم‌تر کاهش آلوده‌گی هوا منجر به جلوگیری از مرگ‌ومیر زودرس میلیون‌ها نفر و میلیاردها دلار صرفه‌جویی در مصارف صحتی خواهد شد.

کشورهای بزرگ در تغییرات اقلیمی نقش عمده دارند. تنها سه کشور، ۵۰ درصد کل گازهای گل‌خانه‌ای را تولید می‌کنند. چین با ۳۰ درصد، ایالات متحده ۱۳ درصد و هند ۷ درصد. ۷ کشور دیگر ۱۵ درصد گازهای گل‌خانه‌ای جهان را تولید می‌کنند. در میان این هفت تولیدکننده مهم گاز گل‌خانه‌ای سه کشور رو به انکشاف ایران، ترکیه و عربستان سعودی قرار دارند، ولی باقی آن‌ها کشورهای صنعتی چون روسیه، جاپان، آلمان و کانادا. در طرف مقابل کشورهای رو به انکشاف بنگلهدیش، چاد، عراق، پاکستان و بحرین هستند که سهم ناچیزی در انتشار گازهای گل‌خانه‌ای دارند، اما در سال ۲۰۲۴ از نظر آلوده‌گی هوا در صدر قرار داشته‌اند.

Maaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 -7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمّدقوی کوشان

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو طلب ظلم و تطبیق پروگرام‌های لگرنی بازنگری اقرارهمفر جاسوس انگلیس

این مقاله چندروزقبل در سایت وزین آریایی نشر شد و استقبال نیک دریافت نمود. ولی بعد یک مقدار معلومات بیشتر دربارهٔ ادعای داکترامیر اردش بدست آمد که جزء این نوشته شده است.

طالب ظالم، که ادعای اسلام سچه دارد ملا های شان قرار یک ویدیویی که در رسانه ای دیدم پنج بنای اسلامی را نمیدانست، نفر ارشد دیگر آیت قرآن پاک را مکمل قرائت نتوانست، و حتی نفر دیگر شان به افتخار اعلان نمود که یگانه گرویی اند که زیادتین حملات انتحاری را انجام داده اند. به عدالت و مساوات باور ندارند، قانون اساسی که قانون مدنی است نمی پذیرند و شریعت بافتهٔ خود شان را قانون اصلی پیشرفت اجتماع میدانند، حقوق بشر که منشاء قرآنی دارد در ضمیر شان نمو نیافته است، به خانم ها بودن جزء قوای کار کشور را قطعاً اجازه نمیدهند، چون قدرت شان بر یسوادان جاهل استوار است نمی خواهند مادران دانا و تحصیل یافته فرزندان مجهز به قدرت علم و دانش تربیه نمایند، به والصلاح خیر و لاکراه فی الدین و دیگر اوامر الهی جل وعلی شانه و ارشادات رسول الله ﷺ متکی نیستند بلکه پیرو وهابیزم اند. این اسراربعد ازنشراقراریک جاسوس انگلیس که در قرن ۱۸ بنام همفربرای ایجاد دشمنی بین مسلمانهاموظف شده بود افشاگردید. ابتدا این معلومات وهابیزم طی یکسلسله مقالات درجریده شیپگل و بعد دریک جریده شهیرفرانسه به طبع رسید ویک دکترلبنانی آنرا به عربی ترجمه نمود و بعد به دیگر زبانها نیزترجمه شد. کاپی این اقرار که نزدمن وجود دارد اومنیا ویریتاس **Omnia Veritas** باجندجلدمحدود، کاپی رایت ۲۰۲۱، قطع کوچک و ۱۹۴ صفحه به چاپ رسانیده است : **www.omnia-veritas.com**

همفر انگلیس مامور وزارت کامنولت کسی است که محمد بن عبدالوهاب را برای حرکت ریفورم یک اسلام محافظه کار وتوطئهٔ تولیدفساد دراسلام تربیه نمود؛ این مذهب جدید در ۱۷۱۳م تکمیل و در سال ۱۷۳۸م اعلان شد. از وی بناممحمد نجدی بنیادگذار وهابیزم یاد کرده نوشته است که پدر کلانش به نام سلیمان **Sulayman**شهرت داشت یک یهود پنهانی بود که نام اصلی اش شولمن **Shulman**ذکرشده است در بورسای **Bursa**ترکیه به تجارت مشغول بود (راپور سری یک جنرال استخبارات عراق در وقت صدام حسین). رهنمای وهابیزم درسال ۱۸۸۸برای اولین باردرترکیه درپنج جلد زیرعنوان میرآهٔ الحرمین **Mir’at al-Haramayn**توسط ایوب صبری پاشا که بعضی او را مولف اصلی(؟) شمرده به طبع رسید. ۱۳۷ سال بعد طالبان کتاب مشابه زیرعنوان امارت اسلامی افغانستان تالیف شیخ عبدالحکیم حقانی و تایید امیر المومنین شیخ مولانا هبت الله آخند زاده و نویسندگی شخص دیگر با عین مژهٔ تلخ و ترجمه دکتر محمد صالح مصلح نشر یافت. با تاسف اجنت هایشان که امروز صد هزار نه بلکه به میلیون نفر رسیده است میگویند این نوشته جعلی است؛ دربارهٔ تبصره های برنارد هیکل، حامد الگار، داکتر امیر اردوش و یک مقاله در پایان معلومات تقدیم شده متوجه خواهید شد که راستی آنچه همفر گفته است به تدریج تطبیق شده میرود.

همفرمینویسد: وزیر کامنولت به من کتاب اسرار را داد تا مطالعه کنم: این کتاب ازنوع عجیب بود. جوابهای مبهم ومشاهدات حساس را واقعی جلوه میداد و اسراری بود که وزیر با من درمیان گذاشت و وعده داد که اسرار دوم را بعد ازیکماه که این کتاب هزار صفحه یی را مطالعه کردی برایت میگویم. طرح چنین بود که: اول به اسلام اتهامات جعلی حواله شده، بعد نکات قوی و قدرت اسلام را بیان میکرد، به تعقیبش تخریب این قدرت تذکریافت که با رواج دادن ضعف اسلام وتخریب قوتهای نظامی اسلام بدرقه میشد(اکنون ما شاهد هستیم).

کتاب عناوین ذیل داشت: نقاط ضعف مسلمانها (صفحه ۷۷شامل ۱۲ فقره)، بیخیرماندن ازتفوق مادی ومعنوی عقیدهٔ شان (صفحه ۸۰ شامل ۱۳ فقره همه از آیات قرآن مجید استفاده شده است)، توصیهٔ برای معیوب و منحط ساختن منابع قدرت مسلمانها (صفحه ۸۲ شامل ۲۳ فقره)، مشورهٔ مجبوییت دادن نقاط ضعف شان (صفحه ۸۴ شامل ۱۳ فقره مشرح به شمول مسدود ساختن مکاتب ونشریات وتاجاییکه ممکن باشد سوختاندن آثار ادبی... که شماشاهدافتادن لاریهای کتاب دردریای هیرمندوپاره کردن کتاب درکنایفروشی بوده اید...)، مراحل تخریب قوت های نظامی مسلمانها (صفحه ۹۱شامل ۲۲ فقره). باید اینها به دقت خواننده شود و با رفتار امروز جهان اسلام از طرف این اجنت ها مقایسه شود.

همفر مینویسد (صفحه ۱۰۱): وقتیکه این کتاب را که عنوان داشت "**How Can We Demolish Islam**ماازچه طریق اسلام را ویران میتوانیم ازنظرگذشتاندم راستی آنرا یک اثر فوق العاده عجیب یافتم. با وزیر ملاقات حاصل و کتاب را برایش تسلیم نمودم و از متن آن احساس خوشی نشان دادم. او مرا مخاطب قرار داده گفت: تو تنها نیستی ما پنج هزار فرد را برای تطبیق این تبلیغ مذهبی فعال ساخته ایم و پلان داریم که این اعداد به یکصد هزار نفر برسد و وقتی که به این هدف رسیدیم تمام مسلمان ها تغییر مسیر داده و کشورهای اسلامی همه تحت نفوذ ما در میآیند؛ که شده است!

مازنده نمیشیم که آنروزهای مسرت بار(بدرقه بارقص و دانس ولی مرگیار برای مسلمان ها) را نظاره کنیم اما فرزندان (قاتل) ما خواهند دید، جقدر مقولهٔ زیباست که:من آنچه دیگران کشت کرده اند بهره بردم پس من باید برای دیگران بکارم تا آنها بهره بردارند. وزیر به گفتار ادامه داده گفت: وقتی که بریتانیا این امر را به انجام رسانید تمام جهان مسیحیت را مسرور ساخته آنها از شر این آفت ۱۲ قرن (اکنون اضافه از ۱۴ قرن) نجات میآیند.

وزیرگفت: مساعی لشکر کشی های قدیم چون آنی و بی جهت بود و دشمنی واضح اعلام داشتند مفید ثابت نشد، ولی اکنون آمران مدبر و ارزشمند ما اسلام را با وسیلهٔ پلانهای منظم و حوصلهٔ طویل المدت ویران نموده از هم پاشان میسازد (پلان شان بعد از ۲۸۵ سال امروز تطبیق میگردد) .

استعمال قوای نظامی آخرین مرحله خواهدبود واین زمانیست که اسلام کاملاً نابودشده؛ یعنی بعدازیکه ماآنها را ازهرگوشه و کنار کویدیم ویک حالت رقتباری رسیدند که دوباره به حال آمده نمیتوانند دیگربماقدرت جنگ نمی داشته باشند(آیا امروزهمان مرحله نیست؟ ولی خیرنداشتند که مسلمانها برای جواب به توطیه شان آماده بودند) ؛ وزیر گفتراخودرا چنین پایان بخشید:

آمرین ما دراستانبول بسیارعاقل وذکی بودند. پلان مارا بدقت قسمیکه تدوین شده بود درمحل اجراگذاشتند. پرسیدم آنهاچه کرده اند؟گفت: آنها باپیروان محمد هم بزم شدند وبرای اطفال شان مدرسه باز کردند. چرج ها تعمیرنمودند. درمجبوییت بخشیدن مشروبات الکهلی، قمار، فحشاء، تقسیم نمودن شان به گروههای منهج (کلب های فتبال وکاسینوها) فوق العاده موفق بودند. در دماغ جوانان شک وتردید خلق کردند. درحکومت هایشان نهال مخالفت ها و ضدیت غرس نمودند. درهرطرف شرارت برپاکردند. آمران، دایرکترها و سیاستمداران را بازنان مسیحی درخانه های ایشان منحرف ساختند.

با این نوع فعالیت ها قدرت شان را ازهم دریدند، وسایل خلل در اخلاص به عقایددینی شان را مهیا کردند، اخلاقاً آنها رامفسد ساختند، اتحاد و روابط شان را مختل کردند؛ اکنون وقت آن رسیده که جنگ برق آسا برای بربادی کلی اسلام آغاز کنیم (آیا درارگ اشرف غنی فسادرایج نبود؟ آیاحملات برق آسادر کابل و سوریه و پرتاب تن ها بمب برمردم فلسطین مصداق این بیان نیست؟)

همفر درپاورقی صفحه ۱۰۳ مینویسد: بریطانیا پلان تخریبی ۲۱ فقره یی را برای ازین بردن اسلام دردوامیراطوری هند وعثمائی تطبیق نمود. گروههای اسلامی افراطی چون وهابی، قادیانی، تبلیغ جماعت، و جمعیت اسلامی را در هند بنیاد گذاشتند (آیا این دروغ است؟).

منکه از دریافت اسراراول لذت برده بودم انتظار دانستن اسرار دوم را که وزیرمن وعده داده بودداشتم. اسراردوم درپنجاه صفحه برای نابودی اسلام ظرف یک قرن پلانگذاری و برای افسران عالی رتبهٔ وزارت تهیه شده بود؛ ۱۴ فقره داشت. این طرح جدآ محافظه شده بود به هراس اینکه مبادا به دسترس مسلمان ها قرار گیرد (موفق هم بودند).

درفقرهٔ سوم آمده که ضدیت بین ترکیه وایران دامن زده و براحساس نژادی و ملیت پرستی اصرار ورزیده شود(آیاحمله برسوریه زمینه ضدیت بین ترکیه وایران رامساعد نساخته است؟) علاوهآ، قبایل وملیتهای اسلامی وهمسایه های شان باید بضدیکدیگر تحریک شوند(مثال مداخلات پاکستان وایران و روسیه در خاک افغانستان است که هنوز هم جریان دارد). تمام مذاهب بشمول آنکه از بین رفته اند احیا گردیده بضد یک دیگر با ضدیت و جنگ در گیر آیند (محتسبیزم معرفی گردید). درفقرهٔ پنجم آمده:جدول تقسیمات دولت اسلامی عثمانی به محلات کوچکتر تهیه شود تا بریکدیگر درتاخت وتاز باشند. هندوستان تجزیه شد.

تیوری که شهرت دارد هماناوقتی تفوق پیدا میکنی که آنها(مسلمان ها را) بشکنی ووقتیکه آنها را شکستی به آسانی تخریب کرده میتوانی (آیا در غزه، لبنان و سوریه چنین تخریبات جریان ندارد؟)

درفقرهٔ هشتم آمده: تخم عناد، کینه وشیطنت مانند زناکاری، لواطت، نوشیدن الکهول و قمار درکشورهای اسلامی بذرگردد (آیاحکومت اشرف غنی و طالب چنین نکرده اند و نمیکند؟). برای این مقصد از پیروان مذاهب دیگر (هندوئیزم، بودیزم، صیهونبیزم، محتسبیزم و مسیحیون ودیگران) مسکون آن کشورها استفاده شود و یک قشون بزرگ سربازگیری آغازیابد (که باخرید اجنت در جریان بوده معمول گشته است).

درفقرهٔ هشتم آمده: ماباید برای تعلیم و تربیهٔ لیدران وقوماندان های ظالم در ممالک اسلامی وقت را ضایع نکنیم، اینها بقدرت رسانده شود تاقوانینی را طرح نمایند که از اطاعت شریعت امتناع صورت گیرد(آیا طالب برای این مقصد خلق نشد بامحتسبیزم تحت چتر طالبانیزم مردم را ازدین گریزان نساخته اند؟) این نوکران تاحدی استعمال شوند که نوکران حلقه بگوش بوده هرکاری ازایشان توسط وزارت (کامنولت) تقاضا شود اجرا کنند. از طریق اینهامیتوانیم خواهشات خودرا برمسلمانها و کشورهای اسلامی ازطریق قوانین دلخواه ما تحمیل کنیم (مثل محتسبیزم). ما بایدیک روش اجتماعی زندگی معرفی کنیم که پیروی ازشریعت راستین به نظرجرم دیده شده و عبادت یک عمل عقبگرایی تلقی گردد (آیا ظهور اتیست ها و خدا نشناسان و توهین به قرآن و پیامبر اسلام چنین نیست؟)

مامسلمان ها راباید فریب دهیم که لیدران خود را از میان پیروان غیراسلامی انتخاب نمایند (مثل اشرف غنی که به نماز خواندن بلدیت نداشت ویاوزیر پاکستان که قل هو الله احد را به یاد نداشت و یا طالب تفنگدار نمیدانست که پنج بنای مسلمانی چیست؟)؛ برای بکرسی نشاندن این اهداف بایداجنتهای خود را بحیث علمای اسلامی شهرت داده به مقامات عالی برای برآوردن خواهشات ما بر قرار سازیم (آیا با کود هبت الله این ستراتیژی تطبیق نشده است؟).

درفقرهٔ دهم آمده: مانفرهای خود را به اطراف سیاستمداران جا داده به تدریج آنها را سکرتهایشان بسازیم تا ازطریق شان آرزوهای وزارت برآورده شود. آسانترین راه تجارت نوکر یا **Slave trade**است. اول اجنت های ما که مثل نوکر و صیغه فرستاده میشوند باید بصورت مکفی تربیه شوند. بعد ما این نوکران را به خویشاوندان نزدیک سیاستمداران طورمثال برای اطفال، خانم ویابه دیگران که نزداینهامحترم اند جادهم این نوکران بعدازیکه جایجا شدند به تدریج به سیاستمداران نزدیک میشوند؛ مادران شان و حاکم شان شده دورشان مانند دستبند حلقه میزنند (آیا درارگ اشرف غنی چنین نبود؟)

درفقرهٔ ۱۳آمده: جنگهای داخلی وبغاوتهاایدتحریک شود. مسلمان ها باید همیشه با یکدیگرخود وآنهایی که مسلمان نیستند در گیر وداریباشند تا همه انرژی شان ضایع شده بیشرفت واتحادیین شان ناممکن گردد. دینامیک دماغی ومنابع مالی وبولی شان ویران شده افرادجوان وفعال شان ازین برده شوند. نظم شان بایددهشت وانارکی باشد(آیاچنین نیست؟ آیا ماتعداد بی شمار جوانان خود را ازدست نداده ایم؟ آیا در فلسطین کشتار اطفال و نوزادان دوام ندارد؟).

درفقرهٔ ۱۴ آمده: اقتصادشان درتمام ساحات محو گردد، منابع درآمدوساحه های زراعتی شان منهدم گردد، کانال ها وخطوط آبیاری شان تخریب گردد و دریاها خشک ساخته شود، مردم بایداز کار وادای نمازنفرت کنند، تبلی باید سرتاسری وممکن ساخته شود. محلات تفریحی بایدبرای مردمان تنبل مهیا گردد. استعمال مواد مخدره و مشروبات رایج گردد (کانال قوش تپیه حفرگردید که سبب تنقیص آب آمو دریاشده میتواند ولی آوازه است که برای مفاد مردمان منطقه نیست چون بزودی مالکیت شان به دیگران جیرا انتقال خواهد یافت). (فقرات ۱۴ گانه که تشریح شد با نقشه ها، فوتوهاو جدول یا جارت هابسیار واضح درکتاب بیان و تشریح شده است).

این اقرارجاسوس انگریزوقتی نشرمیشود که انگلیسها فکرمیکنند پلانهای صد سالهٔ شان دریک مملکت اسلامی مانند افغانستان، لائبراتوراتجربهٔ شان، تطبیق شد و تخم فساد، نفاق، جهالت وکشتار مسلمان توسط مسلمان به ثمر رسید.

من به این عقیده ام که پلان اصلی قسمیکه دربالا ذکرشد ۳۱۷سال قبل توسط انگلیس ها در وزارت کامنولت طرح شدوعملاً درهندوستان وترکیه پیاده گردید. ولی اکنون این امریکا و ناتو است که بر آن خشت منززل بنیاد اسلامی، تعمیر بناکرده اند. جای وزارت کامنولت را عضو کامنولت انگلیس پاکستان به عهده گرفته و جای اجنت های شان را طالب ظالم گرفته که برای عملی ساختن اهداف شوم خود به اساس همان ماستر پلان قدیمی تربیه نموده به مقام کنترل افغانستان رسانیده اند.

اکنون که پرده ازاسرارشیطانی برداشته شدجوانان افغانستانی وجوانان متباقی ممالک اسلامی (دنباله در صفحهٔ ۷)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

سوم میر غلام محمد غبار در جلد اول افغانستان صفحه ۴۱۵ تا ۴۳۶ در مسیر تاریخ مفصل از تاسیس کمیته تجارتي هند تا اعلان ملکه ویکتوریا بیحیت امپراطوریس هند نوشته است که فقط آنچه مربوط ادعای دکتر اورش که هند تا جنگ عمومی اول جزء مستعمره ای هند نبود نقل میشود: انگلیس ها در سال ۱۶۰۰ کمیته شرق الهند را تاسیس و اجازه نامه تجارتي حاصل کرده مرکز خود را در [سورت] [ساحل غربی هند] بنیاد نهاد.

در ۱۶۱۴ جیمز اول شاه انگلیس نماینده بنام [سرتوماس رول] بدربار جهانگیر شهنشاه فرستاد و خواهش ارتباط تجارتي نمود. در سال ۱۷۰۰ کمیته های انگلیسی [شرکت متحد هند شرقی] را تشکیل و حق انحصار تجارتي با هند را تحصیل کردند. فتح کرد. انحصار تجارت کمیته انگلیس در هند ۲۱۳ سال طول کشید و گورنر جنرال های ذیل را مقرر کرده بودند: مارکس ولسلی گورنر جنرال جدید هند از ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۵، در سال ۱۸۳۰ و ویلیام بنتینگ گورنر جنرال هند بود در ۱۸۴۳ گورنر جنرال هند لارد ایلن برو بود در سال ۱۷۸۴ صدر اعظم انگلستان به تصویب پارلمان اداره کنترل امور هند را که متشکل از شش نفر بود فعال ساخت (شروع مستعمره سازی). در سال ۱۸۴۵ حق ضرب سکه از میران سند گرفته شد و سکه کمیته رایج گردید.

لاردهستینگ گورنر جنرال از ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۳ اردوی ۱۲۰ هزار تشکیل و بصد آزادی خواهان سوق داد. در سال ۱۸۵۷ در قشله نظامی [مروت-دهلی] شورش رخ داد. بعد از انقلاب هند بود که هندوستان از نفوذ شرق الهند خارج و ملکه ویکتوریا بنام [ملکه هند] اعلان شد و گورنر جنرال سر جان لارنس لقب ویرا یا نایب السلطنه گرفت در سال ۱۸۷۷ ویرا لارد لیتن ملکه انگلستان را امپراتورس هند اعلان نمود.

به اینصورت، شرکت تجارتي شرق الهند که با تجارت چای و صدور آن به انگلستان شروع شد زمینه برای پیوند هندوستان سرزمین پهناور و غنی از کلتور ها برای بریتانیا بود. گورنر جنرال داشتند، قلعه ها آباد میکردند، به مقابل مردم میجنگیدند، سیستم کاست را با تاپه زدن مردم مدراس [شهرسیاهان] و برتری خود رایج و سکه خود را مروج ساختند. یعنی نام مستعمره نداشت و فعالیت ها همه مانند یک مستعمره بود و مردم هندوستان را از خود پایاتر میشمردند یعنی سیستم اپارتاید را پیاده نمودند. بناء اگر بپذیریم که شرکت شرق الهند در این مدت تنها تجارت چای داشت و فعالیت جاسوسی نداشت بسیار ساده خواهیم بود و فعالیت های شان بدون موجودیت جاسوسان امکان پذیر نبود.

علاوتاً، جارج پاکریا George Packer در مقاله زیر عنوان [بندش در تیراندازی یا "Caught in Crossfire" که در ۱۷ می ۲۰۰۴ در نیویارک تایمز نشر شد نظریه برنارد هیکل را [یک پروپاگند ضد و هابیزم یاد نمود].

خوانندگان عزیز و گرانقدر دو چیز انتقادات این مولفین را بی ارزش میسازد: یکی نقیصه ها در گفتار شان و دیگر طرفداری از و هابیزم.

هم چنین نوشته های سپتامبر ۲۰۰۲ برنارد هیکل، حامد الگار ضد و هابیزم ۲۰۱۹/۲۰۱۰، دکتر امیر اردوش تاریخیت مستر همفر سال ۲۰۱۴ و مقاله جارج پاکر ۲۰۰۴ نشان میدهد که نوشته هایشان مطابق فیشن روز و طرفداری از و هابیزم بود. گمان نمیکند که با رویداد های سال ۲۰۲۴ آنچه نوشته اند قابل پذیرش باشد نه به خود شان و نه به مسلمان های جهان.

به امید آزادی افغانستان از تهاجم اجنت های کامنویلت و دعای موفقیت مقاومت گران!

با بیتی از پیام دکتر محمد اقبال لاهوری این نوشته را پایان می بخشم:

می رسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
دیده ام از روزن دیوار زندان شما
حلقه گرد من زیند ای پیکران آب و گل
آتشی در سینه دارم از نیاکان شما /

برای دفاع از انگلیس نوشته اقرارنامه همفر را مردود میدانند! حمید الگار یا Hamid Algar متولد سال ۱۹۴۰ پروفیسور متقاعد، بعد از ۴۵ سال خدمت، یک امریکایی انگلیسی است که مطالعات فارسی را در دانشکده مطالعات شرق نزدیک دانشگاه کالیفرنیا در شهر بیرکلی تدریس نموده است. وی آثار مطبوع در باره ادبیات عربی، فارسی و تاریخ معاصر ایران، ترکیه، بالکان ها و افغانستان دارد. تالیفاتش مخصوصاً درباره مذهب شیعه در قرن اخیر و صوفییزم نقشبندی تمرکز دارد. اول سنی بود و بعد به شیعه گرایید و آثار خمینی، علی شریعتی، مرتضی مطهری و محمود تالقانی را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده بنام [امریکایی مورد علاقه خمینی] شناخته شده است.

در اپریل ۱۹۹۸ در تجلیل انجمن محصلین ارمنی در کامپس دانشگاه در سخنرانی که داشت گفت: [نسل کشی ارمنی ها رخ نداده است] که منجر به مشتعل شدن محصلین ارمنی گردید و دانشگاه به تحقیقات آغاز نمود. دانشگاه در جنوری ۱۹۹۹ نتیجه تحقیقات را چنین اعلان کرد: [آنچه پروفیسور حامد الگار نوشته در چوکات آزادی بیان است]، معنی آن ندارد که [دانشگاه این نوع سخنرانی پارتی ها را چشم پوشی میکند].

درباره اسلام گفته است: [من نظر یک فرد متوسط یا average مسلمان را خوش ندارم]. یعنی انتقادات مسلمانان عادی را رد می کند؛ امید آنچه که اینجانب از قدیمی ترین کالج جراحی هدنبره که در سال ۱۵۰۵ تاسیس شد سند FRCSEd به دست دارم و از معلومات در باره دین اسلام بی بهره هم نیستم گوش دهد.

حامد الگار، یک ویدیویی که من در جمله آثارش در انترنت دیدم اقرار همفر را بسیار خوب از کتابش دکلمه میکرد با تاسف که از فصل ششم یا اصل ستراتیژی تباهی اسلام و مسلمانان معلومات مفصل میدهد و قسماً در بالاتر ذکر یافت (خوانندگان عزیز حتماً آنرا مطالعه فرمایند) کاملاً فراموش نموده که دکلمه کند. آیا باین تعصب و تناقضگویی که دارد گفتارش باور کردنی است؟

پروفیسور دکتر امیر اردوش در یک مصاحبه زیر عنوان [تاریخیت مستر همفر] که در سایت tarikhi.com خواندم و به روز دوازدهم اپریل ۲۰۱۴ صورت گرفت و متن سوال جواب در چهارده صفحه (۱۴) صفحه نشر هم شده است گفت: [این کتاب جای خود را در میان دانشجویان باز کرد و نظر آنها بدان جلب شد (ممکن جهت آرام ساختن دانشجویان اقرار همفر را رد کرده باشد). دوام داده بیان داشت: [با وجودیکه این کتاب از نظر من صحت تاریخی ندارد (۳۱۷ سال نزد او تاریخ نیست)... این مطلب را کاملاً غیر واقعی نمیدانم.]

و باز دوام داده اظهار کرد که: [این موضوع را منابع تاریخی دوره جنگ جهانی اول و فرو پاشی امپراتوری عثمانی تایید میکند (نگفته بود که کتاب همفر صحت تاریخی ندارد؟)].

داکتر اردوش برای تایید سخنان خود یک تعداد محاسبات و سنووات خود خوش ساز پناه برده از جمله گفته است: [در سال ۱۷۱۰م از سوی وزارت مستعمرات مامور شد که به این سرزمین (هندوستان) سفر کند.]

اول همفر در فصل دوم صفحه ۲۱ پراگراف اول نوشته است: [در سال هجری ۱۱۲۲ مطابق ۱۷۱۰ میلادی وزیر کامنویلت مرا به مصر، عراق، حجاز و استانبول فرستاد تا به حیث جاسوس فعالیت نموده معلومات ضروری و مکفی را برای پارچه ساختن مسلمان ها جمع آوری کنم] ولی از هندوستان تذکری بعمل نیامده است ادامه داده مینویسد:

این استعمارگر در سال ۱۸۵۸م (۱۲۷۴ق) با سرنگون کردن سلسله مغولان کبیر، کاملاً بر هندوستان غلبه کرد. یعنی ۶۸ سال پس از مرگ محمد بن عبد الوهاب (تاریخ درگذشت محمد بن عبد الوهاب سال ۱۲۰۶ ق است). عمر همفر را بیست سال تذکر داده که موثق نیست چون از یک سو ادعا شده که وجود ندارد و یک فرد خیالی است و از جانب دیگر برایش سن بیست داده شده است.

دوم سوال پیدا میشود که چرا تاریخ تولد محمد بن عبد الوهاب درین جا ذکر نشد (در پراگراف بعد تر سن او را ۹۱ یا ۹۵ ذکر نمود). قرار معلومات ویکپیڈیا وی در سال ۱۱۱۵ هجری مطابق ۱۷۰۳ عیسوی تولد و در سال ۱۲۰۶ هجری مطابق ۱۷۹۲ وفات یافته است یعنی ۸۸/۸۹ ساله بود که وفات کرد نه ۶۸ که جناب شان تذکر داده است و یک تفاوت ۲۰/۲۳ سال است. در زمان درگذشت بنیانگذار و هابیت هنوز انگلستان هیچ مستعمره در خاور میانه (این سرزمین در جنگ جهانی اول به دست انگلستان افتاد جنگ جهانی اول از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ دوام داشت در حالیکه رویداد اول نوامبر ۱۸۵۸ درج شده است) و هیچ تسلط چشمگیری بر هند و چین نداشت: چون تمرکز شان بر ممالک اسلامی و اسلام بود نه بودیزم و کونفوچیزم.

طالب ظالم و تطبیق پروگرامهای انگلیس

در قرن ۲۱ باید به فکری بیفتند که چگونه این طلسم ابلیسی را بشکنند و نابود سازند. لیدران، زیر هر نام و نشانی که اند بدانند که با چه نیرنگ ها، فریب ها و توطئه ها روبرو اند و همین ضعف اخلاقی، نفسانی و شهوانی بود که آنها را به گودال بدنامی و نیستی پرتاب کرد و یا در آینده ای قریب پرتاب خواهد نمود.

بناء برای لیدران و مردم حتمی و لازمیست که اولتر خود را بر راه مستقیم و شریعت راستین اسلامی عیار ساخته بعد ملت خود را توسط قلم و یا تفنگ از جهالت، بی اتفاقی، قتل و قتال، بی عدالتی، عدم مساوات و تجاوز بر فرهنگ شان نجات دهند. بکشند تا از استفاده منابع مغشوش دشمنان دوست نمادست بردار شوند. کلتورها، فرهنگ و ملیت های خود را محترم بشمارند و برای حمایت عزت و ناموس شان برخلاف مشوره های غیر انسانی کامنویلت جداً اقدام ورزند.

به خانم ها حق ورود به جامعه کار و کارگری و آمریت داده شود. بگذارند خانمها مانند همکاران مردینه شان تا آخرین مراحل تدریس به تحصیل علم و دانش نایل آیند. کشورهای اسلامی متحد شده از منابع غنی که در اختیار دارند برای نجات مسلمان های جهان از شر این توطئه ها و طلسم های جادویی جداً در میدان مبارزه و عمل پیشرو باشند.

مردم ما و همه کشورهای اسلامی با قیام های مدنی توجه لیدران، آمران، و مدیران خریدار شده را در تطبیق پلان های مخرب و ضد اسلامی که مشغول اند جلب نمایند اما با آنها یک بجز جنگ به مذاکره باور ندارند باید با جنگ و ضربه های سخت و سخت تر با مراعات اخلاق جنگ جواب داده شود. از مقاومتران حمایت کلی و سرتاسری بر همه واجب میگردد تا آزادی راستین خود را از صوبه سازی پاکستان دوباره نصیب شوند.

جوانان جهان اسلامی که لیدرهای شان اجنت طلسم ابلیسی اند برای جلوگیری از صدمه رسانیدن بیشتر به ملت مظلوم؛ هر چه زودتر مبارزه، قیام ملی و مقاومت را طرح نمایند. در قرن ۲۱ برای اعمال ظلم، دهشت افگنی، تروریستی و انتحاری زمینه میسر نیست و آنهای که با این اعمال شنیع افتخار دارند چون دشمن بشریت اند با شدید ترین مجازات محاکمه شوند.

بدنامی اسلام را که مامورین وزارت کامنویلت توسط اعضای کامنویلت پاکستانی و طالبان در جهان پخش نموده اند با فعالیت های راستین اسلامی خنثی ساخته شود. شعار ها اگر با عمل مترادف نباشد همه واهیات اند. آنها شعار داشتند که: [وقتی تفوق پیدامیکنی که آنها (مسلمانها را) بشکنی] و [وقتیکه آنها را شکستی به آسانی تخریب کرده میتوانی] ولی شعار افغانستانی ها [وطن را از شر اجنت های انگریز با دوام مقاومت و اتفاق نجات میدهم] باشد که همین اکنون عملاً در جریان مبارزه تسلیحاتی بوده اجنتهای کامنویلت با تلفات جبران ناپذیر روبرو اند.

ادعا شده که استادانی چون پروفیسور برنارد هیکل یا Bernard Haykel، پروفیسور متقاعد حامد الگار Hamed Algar و پروفیسور داکتر امیر اردوش اقرار نامه همفر را جعلی و فاقد سندیت تاریخی دانسته اند؛ لطفاً علاوه بر تبصره های فوق من بین ناخنک ها به این گفتار های باور نکردنی توجه جدی مبذول دارید:

برنارد هیکل، متولد سال ۱۹۶۸ در لبنان و ایالات متحده نمو یافته است. پروفیسور مطالعات شرق نزدیک و دایرکتر بنیاد مطالعه مناطق معاصر شرق میانه، شمال افریقا و آسیای مرکزی در دانشگاه پرنتون نوشته زیاد درباره اسلام دارد. در یک پاورقی که در آرشیف بلاگ های جان ام اولاین یا John M. Olin بنیاد ستراتیژی شرق میانه هارورد با مخفف MESH روز ۲۷ می ۲۰۰۸ ظاهر شده نگاشته است:

سند استخبارات عراق، نظریه توطئه پرصدای ترک را به گوشها ظنین انداز ساخت. اقرارنامه امکان دارد توسط ایوب صبری پاشا نوشته شده باشد (بلی ممکن نویسنده بوده نه مولف) ادعا کرده که انگلیس جهت ضعیف ساختن امپراتوری عثمانی و هابیزم را معرفی نمود (آیا طرح سعودی ها در عربستان و تجزیه ای ترکیه صورت نگرفت؟). دوام داده مینویسد: انگلیس با پخش تکفیر عثمانی خواسته است شورش و جنگ به ضد سلطان عثمانی را مشتعل سازند (آیا مرحوم شاه امان الله به اساس همین ستراتیژی تکفیر از طریق اجنت های انتگلیس تبعید نشد و خدا کند شهزاده ای جوان عربستان سعودی محمد بن سلمان را که به ضد و هابیزم قد علم نموده و نو اوری ها دارد به این سر نوشت روبرو نسازند). برنارد هیکل اقرار نامه را یک کتابچه یاد کرده است (رساله که ۱۹۴ صفحه دارد).

در نتیجه گیری خود مینویسد: [افسوس است که استخبارات عراقی تحت عنوان [سند سری] که در ۲۰۰۱ نوشت نشان میدهد که رژیم عراقی (صدام حسین) میخواست و هابیزم سعودی را بدنام سازد (به تفرقه اندازی بین رژیم عراقی که طرفدار غرب نبود و سعودیها که طرفدار غرب بودند). با تاسف چنین بر میآید که برنارد هیکل فقط

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Maaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 33, Issue No. 9, JANUARY 21, 2025, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۵ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱) mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

مشایخ لوگر

مولانا حاجی نورمحمد فرزند حاجی فقیرمحمدخان (درویش) دریکی از خانواده های متدین و خیراندیش قلعه تقی برکی برک در سال ۱۲۹۳ ش پابعصه وجود گذاشت، اساسات علوم دینی رادرمسجدمحل پیاموخت و به مدارس دور و نزدیک نزداساتید بزرگواری به شاگردی نشست تا اینکه دستارفضیلت از طرف استادان بزرگوارش برسراو نهاده شد. بعداً به تدارک رهبرکاملی برآمد تا بتواند به تزکیه باطن پردازد. کارش به نواحی لندی کوتل و شلمان رسید و دست ارادت به دامن پدربزرگوارشیرگل صاحب زد و دراندک زمانی مآذون گردید و بنام لوگرملاصاحب شهرت یافت. متعاقباً به اذن مرشدبزرگوارش خود به وطن مألوف خود (لوگر) برگشت و از سال ۱۳۳۵-۱۳۴۵ درمسجدقلعه می پاد خواب روغنی امامت نموده به تدریس و تئویرطلاب پرداخت. بالاخره بتاریخ اول ثور ۱۳۴۶ چشم ازجهان پوشید و درحضیره آبایی شان بخاک سپرده شد. پسرش ملایارمحمد تاسال ۱۳۵۱ ش درقلعه می امامت داشت. /

مقالات دنباله دارد در امید

این در حالی است که جو بایدن، سه روز قبل از نتایهو در روز اول افتتاح مجمع عمومی هفتاد و نهم گفت که: یک جنگ تمام عیار به سود هیچ کس نیست. به رغم افزایش تنش ها هنوز هم دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک امکان پذیر است، ؟ و. در حقیقت این تنها راه برای رسیدن به امنیت پایدار. است. امنیتی که ساکنان هر دو کشور؟ را قادر می سازد که به طور ایمن به خانه های شان باز گردند، و این همان چیز است که ما برای دستیابی به آن به نحوی خستگی نا پذیر تلاش می کنیم، ؟ جو بایدن هر چند گفت که ما نگاه مان، به آینده است؟، باید به مسئله افزایش خشونت ها علیه فلسطینی ها بیگانه در کرانه باختری نیز رسیدگی کنیم و شرایط را برای یک آینده بهتر مهیا سازیم، این شامل راه حل دو کشور است. که در آن اسرائیل از امنیت و صلح به رسمیت شناختن کامل و روابط عادی با همه همسایگان اش بر خوردار خواهد شد. و فلسطینی ها در کشور متعلق به خود شان با امنیت کرامت و حق تعیین سر نوشت. شان زندگی خواهند نمود. (تشویق و کف زدنهای حضار تالار) (ولی بعدا دیده شد که دموکرات ها انتخابات را باختند) جو بایدن. که طبق معمول و عرف که بجا مانده بعد از سخنان. سرمنشی عمومی. سازمان ملل متحد. اولین سخنرانی بعد از دبیر کل ملل متحد، ریس جمهور از برازیل سخن می زند، و دو مین و یا سومین شخص در روز اول مجمع عمومی. از بدو تاسیس ریس جمهور امریکا می باشد. هر چند برازیل. در ردیف الفبا هم حرف ب و یا. بی. شروع می شود. اما از قدیم. بجا مانده البته. گاهی. هم اتفاق افتاده. که بعد از سرمنشی. ملل متحد. نفر دوم. ریس جمهور امریکا گپ زده. است. بر می گردد با استخراج قسمت های مهم از سخنان (گلها بروی تان باد بایند). او گفت: عالی جنابان. و رهبران و هم قطاران ام، در این مجمع. امروز برای چهارمین بار. به عنوان ریس جمهوری ایالات متحده. امریکا. این افتخار را دارم. که در مجمع سخن بگویم، این آخرین سخنرانی من در این مجمع خواهد بود، من شاهد. بره ای خارق العاده. از تاریخ. بوده ام، من در سال ۱۹۷۲ به عنوان سناتور ایالات متحده امریکا. عهده دار مقام رسمی شدم، البته می دانم، که ظاهر م طوری است که به نظر می رسد. که گویا فقط چهل ساله باشم (خنده حاضرین تالار). من بیست و نو ساله بودم ما در این زمان هم در نقطه عطف و در لحظه پر از تنش. و نا پا بر جای ای. زنده گی می کردیم، جنگ سرد جهان را تقسیم کرده بود، خاور میانه به سوی جنگ پیش می رفت، و امریکا مشغول جنگ با ویتنام بود، جنگی که طولانی ترین جنگ تاریخ امریکا محسوب می شد، ایالات متحده و جهان آن لحظه ها را یکی پی هم پشت سر گذاشتند، این کار نه سهل و آسان بود، و نه عاری از ناکامی های بزرگ، اما ما به ناکامی ها و ناموزونی های جنگ سرد پایان دادیم، مصر و اسرائیل داخل جنگ شدند، اما بعد به صلح تاریخی رسیدند؟ ما جنگ ویتنام را پایان دادیم، /

ایجاد حکومت درست ...

درنگ کوتاهی بر تاریخ معاصر و پس از جنگ و برد های کشور ما نشان می دهد که بعد از بیرون کردن قوای مهاجم از کشور جامعه ما دچار درگیری های تند سیاسی و اجتماعی گردیده است و این سلسله تا هنوز هم ادامه یافته. به گونه نمونه پس از شکست انگلیس ها در کشور برای اینکه به زعم خود شان جلو افتخارات ما را گرفته باشند نیمی از بدنه کشور از ما جدا ساخته شد و استخبارات انگلیس به خاطر بدنام ساختن جهاد در کشور ما پرداخت. پس از گرفتن استقلال ما با دو برخورد سیاسی- اجتماعی متفاوت در کشور روبرو شدیم. نخست برخورد امان الله خان با اعمال و شگرد های زور بر مردم برای عملی ساختن طرح های اجتماعی خودش که با جامعه همخوانی نداشت و سبب شکست او پس از پیروزی بر انگلس ها در داخل کشور شد. دو دیگر نحوه برخورد دوره کوتاه امیر حبیب الله خان که غرض از آن ایجاد حکومت اسلامی در تقابل با امان الله خان بود که آن حکومت هم به خاطر بستن مکاتب و شگرد های تشدد آمیز دیگر منجر به ناکامی گردید.

در این راستا کلا نقش تخریب کارانه قدرت های شکست خورده را پس از بیرون شدن نظامی شان نمی توان نادیده گرفت. قدرت ها پس از بیرون شدن در پی نقش بعدی خود بوده اند و از این رهگذر همواره خود ارادیت ما با خطرات جدی به چالش کشیده شده است. قدرت های شکست خورده برای نشان دادن اهمیت حضور نظامی شان کوشش کرده اند و این ماموریت را به وسیله عوامل استخباراتی انجام داده اند و تبلیغات کرده اند. از همین جاست که جنگ های استخباراتی در کشور ما ادامه یافته است. چنانچه بازی بزرگ روسیه تزاری با انگلیس ها که در این میان امروز پای امریکا هم به آن کشانده شد.

پس از شکست اتحاد شوروی سابق در کشور عوامل کی جی بی و خاد برای بد نام کردن کردن مجاهدین که آن ها را متحدین کشور های غرب و امریکا می دانستند آرام ننشستند، چیزی که تا امروز روی آن صحبت نمی شود. این یک سوی مسله، سوی دیگر آن عدم علاقه امریکا به حمایت از یک نظام اسلامی خود کفا در کشور ما بوده می تواند، البته مردم جانب داری امریکا را برای خود کفایی لازم نمی دانند. اما عدم علاقه منجر به تخریب گردید و از این جاست که جنگ استخباراتی برای به هم انداختن و بر انداختن مجاهدین که آن ها هم در بعضی موارد عاری از قدرت طلبی نبودند به راه انداخته شد. هدف همه سازمان های استخباراتی خارجی جلوگیری از به میان آمدن یک حکومت اسلامی درست و مقتدر بوده و می باشد. در این درگیری ها کشور های همسایه هم بی طرف نماندند و داخل جنگ های داخلی ما گردیدند. جنگ های استخباراتی روسیه و خاد، امریکا به اضافه کشور های همسایه ایجاد گردید و در این راستا برای شکل دهی قدرت در کشور شدیداً کار کردند.

به این اساس انباشتن و انداختن همه ملامتی های جنگ های داخلی در کشور به گردن مجاهدین تا اندازه دور از واقعیت و حقیقت است که تا کنون در گستره تبلیغات چپ گرا ها به خصوص پرچمی ها و خلقی ها به خاطر صرفاً عدم همگرایی آن ها با مجاهدین و اسلام رسا تر بوده.

پس از شکست امریکا در کشور نیز این سلسله ادامه یافت. حوادث میدان هوایی که کشاندن افکار عمومی در کشور و جهان از پیروزی مردم ما به یک صحنه سازی عمدی و نشان دادن بیزاری و فرار از کشور در باتلاق نزدیک میدان هوایی انجامید که هدف از آن خورد ساختن دست آورد بزرگ یعنی پیروزی ما بود.

آن سان که گفته آمدیم برگشت طالب ها به قدرت و اساس گذاشتن به اصطلاح حکومت اسلامی باز هم بر حکومت اسلامی مواد مخدره اشرف غنی که از آن به عنوان دوره جمهوری یاد می شود نه دو اشغال ناتو به رهبری امریکا با افراط گرایی های تشدد آمیز به خصوص برای دختران و زنان و اقوام دیگر کشور

پروژه کرسی ...

از طریق به دور افکندن سلطه افغانی و افغانیسم دارد. همانگونه که افغانها طرح محکم برای ادامه سلطه شان دارند و از یک پروژه خارجی به پروژه خارجی داخل می شوند.

اگر پروژه کرسی عملی شود، آب ها از تشت ها فرو میریزند و مرز ها با کسانی که در برنامه های خارجی منتظر فرصت بودند روشن می گردد.

راه ما برای حق تعیین سرنوشت پارسی زبانان برحق است و ما پیروز می شویم!

بیراهه روی از اسلام واقعی است که هدف از آن منفور ساختن نفری از اسلام و ایجاد تضاد از یک سو و از سوی دیگر نشان دادن اهمیت حضور نظامی امریکا برای تبلیغات تعداد معدودی است.

در نقطه مقابل عمل کرد عده بی از گروه های ضد طالبانی که از واقعیت های جامعه ما به دور بوده و در جوامع اروپایی و امریکایی نشو و نما نموده میخواهند به بلوغ برسند هم افراطی و جدا از خواسته های مردم در کشور است. این ها می خواهند باور های اجتماعی- سیاسی اروپایی و امریکایی را به نام انکشاف اقتصادی و صنعتی بر ارزش های جوامع ما رجحان دهند و تحمیل کنند. اگر این دو باور متضاد در یک حد وسط که قابل پذیرش برای اکثریت نفری در کشور به خاطر ایجاد یک ساختار نظام اسلامی درست و واقعی به هم نرسد به اضافه مداخله خارجی و طرز دید آن ها کشمکش ها و اختلافات در کشور ما جریان خواهد داشت

از جهت دیگر مشکل اساسی ما در این است که نتوانسته ایم تفکیک سیاست داخلی و خارجی را پی ریزی کنیم و نگذاریم بیگانگان برای ما طراحی کنند چه علنی و چه غیر علنی. مبصرین ما همواره در بحث های خود از نقش این کشور و آن کشور در رابطه به کشور ما صحبت کرده و این نقش ها را به اساس خواسته های سلیقه بی و منفعت های خود آن قدر بزرگ ساخته اند که نقش خود ما معدوم و محروم گشته.

همان سان که گفته شد اختلافات سلیقه بی نیز برای ایجاد و نحوه حکومت در کشور از درگیری های ماست که هر گروهی از هموطنان ما از ساختار به خصوص حمایت می کنند بدون در نظر داشت خواسته اکثریت نفری در کشور. فشار کنونی بر مردم و گروه های سیاسی می تواند زمینه سازی برای آماده ساختن قبولی حکومتی باشد که در آنسوی افراط طالبانی قرار داشته و افراط دیگری باشد بر افراط جاری در کشور که به نفع امریکا، اما بر خلاف خواسته مردم ما ست.

در این روز ها متأسفانه حکومت هایی تحت نام جلالی وطن، موازی و در تبعید در گوشه و کنار جهان مانند حکومت های ملوک الطوائفی طراحی و راه اندازی شده که دارنده پیام خوبی در قبال آینده کشور نمی تواند باشد. امید است این سلسله را پایانی باشد. در عوض کار جدی و همگانی روی یک حکومت اسلامی همه شمول در داخل کشور از ضرورت های کنونی کشور دانسته می شود.

کلا راه حل بیرون رفت از درگیری فعلی تفاهم و بدست آوردن خود ارادیت است تا مشکلات را خود مردود سازیم. اینکه چگونه می توانیم بهره مند خود ارادیت گردیم به درایت، از خود گذری و بالاتر از همه ارجعیت دادن منافع کشور تاریخی ما خراسان و مردم آن بستگی دارد.

زمان آن رسیده که نقش ها و نقشه های بیگانگان را برای کشور ما نادیده بگیریم و برنامه هایی را که منافع مردم کشور را ازاده و اعاده کند به اجرا در آوریم.

* نفری به جای مردم در مواردی به کار رفته. /